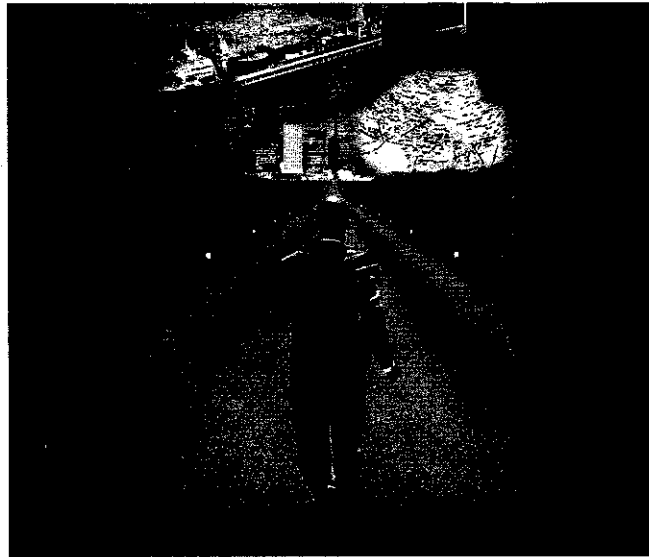


حمله آمریکا به عراق؛ سه سناریوی احتمالی برای خاورمیانه



مترجم: سعید خوشرو

حال حاضر به واردات نفت خام و گاز از منطقه خاورمیانه بسیار وابسته است و مقاله حاضر گزارشی است که کارشناسان مؤسسه اقتصاد انرژی ژاپن در ارتباط با حالات متفاوتی که ممکن است پس از حمله آمریکا به عراق روی دهد تهیه کرده‌اند و در این باره وظایف و برنامه‌های اجرایی ژاپن را مورد بررسی قرار داده‌اند.

بحث حمله نظامی به عراق، بحثی است که امروزه بسیار جدی شده و مورد توجه کشورهای مختلف قرار گرفته است و هر کشوری از هم اکنون برنامه‌های اجرایی خود را در ارتباط با این اتفاق تدوین و یا پیش‌بینی کرده است. این حمله از نظر امنیت عرضه انرژی نیز بسیار حائز اهمیت است و بنابراین کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده انرژی از جمله ژاپن به این تحولات بسیار حساس هستند. ژاپن در

نظامی، ممکن است به حالات مختلفی بیانجامد.

اما فرض کرده‌ایم که هدف آمریکا از حمله به عراق، سرنگون کردن صدام و رژیم او باشد. در وهله اول، آمریکا حملات موشکی هدایت شده و دقیقی را به پایگاه‌های نظامی عراق آغاز خواهد کرد، سپس نیروهای ویژه واکنش سریع در مقیاسی به میزان ۱۰۰ هزار سرباز وارد عمل خواهند شد.

سپس سه حالت احتمالی در نظر گرفته شده است که به طور ساختاری با یکدیگر متفاوت هستند. در هر یک از حالت‌های مزبور، شرایط ملی، بین‌المللی، سیاسی و نظامی خاورمیانه، پس از آغاز جنگ آمریکا علیه عراق، و پیامدهای آن برای بازار نفت مد نظر قرار گرفته است. اولین حالت، «تثبیت وضعیت عراق» است. در این حالت، آشکارترین هدف آمریکا، یعنی سرنگون کردن صدام و رژیم او، به سرعت میسر می‌شود. حالت دوم، شرایطی است که هدف آمریکا به راحتی تأمین نشود. و با گذر زمان جنگ به «پن بست» برسد. حالت سوم، «گسترش جنگ به کل خاورمیانه» است که در این صورت با درگیر کردن اسرائیل در جنگ، نزاع کل خاورمیانه رادر بر می‌گیرد.

پس از اقدامات تروریستی یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، تنش‌های سیاسی در منطقه خاورمیانه به نحو چشم‌گیری افزایش یافته و در همین حال اوضاع و شرایط در فلسطین بدتر و احتمال حمله نظامی آمریکا به عراق نیز بیشتر شده است.

امریکا به عنوان مهم‌ترین متحد ژاپن و در عین حال ژاپن و کره جنوبی که دو متحد آمریکا در خاوردور به شمار می‌روند، برای واردات نفت خود به منطقه خاورمیانه وابسته‌اند.

یافتن راه‌هایی برای تأمین منافع ملی ژاپن و ثبات و رفاه خاور دور، وظیفه‌ای است که بر دوش ما سنگینی می‌کند. برای انجام دادن این وظیفه، باید حالت‌های احتمالی متفاوتی را که ممکن است بحران خاورمیانه به آن بیانجامد در نظر بگیریم و پیشاپیش بهترین گزینه‌ها را بررسی کنیم.

۱- سه حالت احتمالی بحران خاورمیانه

جلب حمایت بین‌المللی در مورد حمله نظامی به عراق، برای حمله آمریکا دشوار بوده است. با وجود این احتمال حمله آمریکا به عراق بسیار زیاد است. چرا که پس از حملات تروریستی یازدهم سپتامبر باور عمومی در آمریکا این چنین بوده است که اجرای عملیات

۱) حالت تثبیت وضعیت عراق

امریکا تلاش می‌کند تا برای حمله به عراق حمایت بین‌المللی جلب کند. اگر آمریکا با ارائه اسناد و مدارک ثابت کند که عراق به گسترش سلاح‌های کشتار جمعی می‌ورزد و در عملیات تروریستی مشارکت می‌کند، آنگاه کشورهای بزرگ و مهم اروپایی، روسیه و برخی از کشورهای صادرکننده نفت حاشیه خلیج فارس، متقاعد می‌شوند که با حمله به عراق موافقت کنند. در این صورت نیروهای چند ملیتی بتدریج خود را برای عملیات نظامی آماده می‌کنند، اما حمله به عراق تا ژانویه ۲۰۰۳، بلکه دیرتر، عملی نخواهد شد. این تأخیر دو علت دارد اول این که انتخابات میان دوره‌ای آمریکا در پیش است و دوم این که دستیابی به وفاق بین‌المللی در این خصوص دست کم تا آن زمان طول خواهد کشید. نیروهای چند ملیتی با استفاده از موشک‌های هدایت شونده و نیروهای ویژه به سرعت عراق را وادار به تسلیم و صدام و حکومتش را سرنگون می‌کنند.

● اندک زمانی پس از آن، به طور موقت، اوضاع عراق بی‌ثبات می‌شود. سازمان ملل با اجرای عملیات صلح‌طلبانه نظم عمومی را به عراق باز

می‌گرداند. همکاری‌های بین‌المللی و تلاش‌های صلح‌جویانه به ثمر می‌رسد و دولت موقتی در عراق بر سر کار می‌آید. کشورهای همسایه نیز این دولت موقت را که هم با ثبات است و هم بی‌خطر، خواهند پذیرفت. امریکا به سرعت به خلع سلاح عراق مبادرت می‌ورزد. ثبات دولت جدید عراق به رضایت و موافقت مسلمانان سنی و شیعه و گروه‌های کرد بستگی دارد. اگر چنین اجتماعی حاصل نشود، اوضاع عراق بی‌ثبات و ناآرام می‌شود. عملیات صلح‌جویانه سازمان ملل نیز نتیجه‌ای در بر ندارد و هرج و مرج و ناآرامی به دنبال می‌آورد.

● بر اثر حمله به عراق، صادرات نفت این کشور قطع می‌شود و قیمت نفت به طور موقت افزایش می‌یابد، اما با اتمام عملیات نظامی، بازار نفت به سرعت به حالت عادی بر می‌گردد و بی‌ثباتی چشمگیری به وجود نمی‌آید و انتظار می‌رود که با لغو تحریم‌های اقتصادی سازمان ملل، تحت حاکمیت دولت جدید، تولید به سرعت افزایش یابد و اقتصاد کشور سامان پذیرد. همچنین با سرازیر شدن سرمایه‌های خارجی، حوزه‌های نفتی به سرعت توسعه می‌یابند، در این صورت قیمت‌های نفت خام باز هم کمتر خواهد شد.

۲) حالت به بن‌بست رسیدن

● اگر برای سرنگون کردن صدام و رژیم او اتفاق نظر بین‌المللی حاصل نشود، عملیات نظامی به درازا خواهد کشید، نیروهای امریکا اختیار بغداد را به دست خواهند گرفت، اما نمی‌توانند صدام را بیاورند. در سراسر عراق بین نیروهای معارض و دولتی جنگ‌های پراکنده‌ای در می‌گیرد. اوضاع به طور فزاینده‌ای پیچیده و بغرنج می‌شود. برای مثال حزب بعث و اهل تسنن به رغم حمایت‌های اولیه، به مخالفت با رژیم حاکم می‌پردازند، در همین حال شیعیان جنوب به اقدامات استقلال‌طلبانه مبادرت می‌ورزند و کردها کنترل حوزه‌های نفتی کرکوک و منابع آب شمال را به دست خواهند گرفت. پس از صدام هرج و مرج حاکم می‌شود و درگیری‌های خیابانی شکل می‌گیرد. این درگیری‌ها به کشورهای همسایه نیز گسترش می‌یابد. برای مثال، برای سرکوب کردن ناآرامی‌هایی که کردها مسبب آن هستند، ترکیه در شمال عراق وارد عمل می‌شود. نیروهای ایران، سوریه و سایر کشورها با قدرت علیه اقدامات ترکیه واکنش نشان می‌دهند. اگر شیعیان جنوب هم فعال شوند، آنگاه عربستان سعودی نیز واکنش شدیدی خواهد داشت.

● استمرار یافتن کشمکش‌های داخلی، نیروهای

امریکایی را وادار می‌کند که مدت بیشتری در عراق بمانند. اما تعدادی از سربازان امریکایی کشته یا مجروح می‌شوند و اعمال تروریستی افزایش می‌یابد. به این ترتیب پس از یک سال فشارهای سیاسی، امریکا را وادار می‌کند که از حکومت جدید صرف نظر کند. بعد از آن با تمسک به این که مأموریت ناپود کردن سلاح‌های کشتار جمعی با موفقیت به انجام رسیده، نیروهای امریکا، عراق را ترک می‌کنند. پس از خروج نیروهای امریکا از عراق، شورای همکاری خلیج فارس، سوریه و مصر به همراه نیروهای سازمان ملل، در عراق مداخله می‌کنند. اما با شدت گرفتن خصومت‌ها بین گروه‌های معارض عراق، دولت جدید دوام نخواهد یافت و ناآرامی‌ها همچنان ادامه می‌یابد.

● اخبار ناآرامی‌های عراق عالم‌گیر می‌شود و تعداد زیادی از شهروندان عراقی، در حملات امریکا قربانی می‌شوند، تمایلات ضد امریکایی در سراسر کشورهای خاورمیانه گسترش می‌یابد و متعاقب آن، حکومت‌های طرفدار امریکا، از جمله شیخ نشین‌های عربستان سعودی، اردن، بحرین و دولت‌فعلی مصر تضعیف می‌شوند. اوضاع عربستان که پیشرفت‌های بظمی برای مردم سالار کردن حکومت و به مشارکت طلبیدن مردم در امور سیاسی داشته است، به وخامت می‌گراید. میانه‌روهای عربستان سعودی در تبلیغات خود، وهابی‌گری را شدت می‌بخشند و رهبران مذهبی را وادار می‌کنند تا بین اصرار بر مردم سالاری و دوری کردن از آن یکی را برگزینند.

● وقفه صادرات نفت عراق به طول می‌انجامد. عربستان سعودی و دیگر تولیدکنندگان نفت تولید را افزایش می‌دهند و کشورهای مصرف‌کننده قادر خواهند بود از ذخایر خود استفاده کنند. به این ترتیب اثرات منفی بر بازار بین‌المللی کاهش می‌یابد. با وجود این، به سبب وجود ناآرامی در عراق و بی‌اطمینانی سیاسی در عربستان سعودی و دیگر کشورهای تولیدکننده نفت خلیج فارس، قیمت نفت به طور نامنظم نوسان خواهد داشت و گاهی بسیار بالا خواهد بود.

این امر موجب افت و خیز زیادی در اقتصاد جهان می‌شود. منازعات سیاسی در عراق، جلب سرمایه خارجی، توسعه حوزه‌های نفتی عراق را به تعویق می‌اندازد و در نتیجه، در میان مدت و بلند مدت قیمت نفت افزایش خواهد یافت.

۳) حالت گسترش منازعات به کل خاورمیانه

● بلافاصله پس از آغاز حملات امریکا، عراق حملات موشکی به اسرائیل را آغاز می‌کند و

اسرائیل نیز به حمله متقابل مبادرت می‌ورزد. اگر عراق از سلاح‌های کشتار جمعی استفاده کند، ممکن است اسرائیل نیز به استفاده از این نوع سلاح‌ها مبادرت ورزد. در این صورت، تعداد زیادی از نیروهای چند ملیتی و امریکایی فرستاده شده به عراق و تعداد بی‌شماری شهروند عراقی کشته و زخمی می‌شوند. انتشار گزارش این اوضاع، آتش احساسات ضد اسرائیلی و ضد امریکایی را در سراسر کشورهای مسلمان شعله‌ور می‌کند و جنبش‌های ضد جنگ را در کل جهان، از جمله امریکا افزایش می‌دهد. همچنین ممکن است که اسرائیل فرصت را غنیمت شمرده و پایگاه‌هایی در ایران، مانند نیروگاه اتمی در دست احداث را بمباران کند. این اقدام سبب می‌شود که نیروهای مستقر در ایران، سوریه و لبنان به حملات تلافی‌جویانه دست بزنند و جنگ به کشورهای همسایه منتقل شود.

● در سراسر خاورمیانه اعتراضات ضد امریکایی و ضد اسرائیلی شکل می‌گیرد و تجهیزات و متعلقات امریکا در منطقه به طور متناوب آماج حملات تروریستی قرار خواهد گرفت. در عربستان سعودی، اردن، مصر و سایر کشورهای طرفدار امریکا، معاندت‌ها و حرکت‌های ضد سلطنتی افزایش می‌یابد.

دولت‌های مزبور برای حفظ بقای خود مجبورند مواضع ضد امریکایی اتخاذ کنند. برای مثال، کشورهای تولیدکننده نفت خلیج فارس تصمیم می‌گیرند که بار دیگر نفت را به مثابه یک سلاح سیاسی به کار گیرند. کشورهای عضو آژانس بین‌المللی انرژی با استفاده از ذخایر نفتی تلاش می‌کنند تا از اثرات تحریم نفتی علیه امریکا و هم پیمانانش بکاهند. با وجود این، بازار بین‌المللی نفت همچنان آشفته می‌ماند. در این برهه، قیمت نفت خام به شدت افزایش می‌یابد و کشورهای آسیایی موقتاً و اجباراً برای به دست آوردن نفت به تقلا و زحمت می‌افتند.

● با شدت گرفتن جنبش‌های ضد امریکایی، اوضاع کشورهای طرفدار امریکا در خاورمیانه بی‌ثبات می‌شود. با گذر زمان نیروهای بنیادگرای اسلامی در شورای همکاری خلیج فارس، بویژه در عربستان سعودی، اردن، مصر قدرت چشمگیری به دست خواهند آورد. بسته به مؤلفه‌های متفاوت، ممکن است تا سال ۲۰۰۵ چند دولت بنیادگرای اسلامی در منطقه شکل بگیرد. جنبش‌های ضد امریکایی و ضد اسرائیلی از مرزهای خاورمیانه می‌گذرد و به دیگر کشورهای مسلمان، از جمله اندونزی گسترش می‌یابد. اگر چنین شود، ساختار حقیقی منازعات

بین آمریکا و جهان اسلام، با مرکزیت خاورمیانه، کاملاً شفاف می‌شود. اروپا، روسیه، چین و سایر ملل رفتار اسرائیل را محکوم می‌کنند. به این ترتیب آمریکا به طور گسترده‌ای از جامعه جهانی جدا می‌شود.

۲- وظایف و برنامه‌های اجرایی ژاپن

۱) حالت تثبیت وضعیت عراق

وظایف: جامعه جهانی ژاپن را تحت فشار می‌گذارد تا موضع و میزان همکاری خود را در خصوص قطعنامه‌های سازمان ملل در مورد عراق، به طور روشن اعلام کند و میزان همکاری خود را، در جریان جنگ و پس از آن برای بازسازی اقتصادی و بازگرداندن ثبات به عراق، مشخص کند. بسته به رویکرد اتخاذی ژاپن، این کشور ممکن است از مشارکت در طرح‌های توسعه عراق پس از جنگ و تلاش‌های بین‌المللی برای تثبیت اوضاع خاورمیانه، کنار گذاشته شود. در همین حال، به دنبال موفقیت نظامی آمریکا در حمله به عراق، اگر آگاهی از وضعیت کره شمالی بالا رود، ممکن است تنش‌های نظامی به شمال شرقی آسیا نیز گسترش یابد.

برنامه‌های اجرایی ژاپن

الف - ژاپن، پس از مباحثه و مذاکرات سیاستمداران و سیاست‌گذاران، سازوکاری را به کار می‌گیرد که او را قادر سازد در قطعنامه‌ها و اقدامات صلح‌جویانه سازمان ملل مشارکت فعالی داشته باشد.

ب - پس از مذاکره با آمریکا، به بررسی و تشریح مقاصد و اهداف آمریکا و حملات پیشنهادی آن به عراق بپردازد. سپس به روشنی اعلام کند که آیا از آمریکا حمایت می‌کند یا نه و تصمیم خود را به آمریکا و سایر ملل جهان اعلام دارد.

ج - ژاپن در همایش‌هایی که برای بازگرداندن ثبات به عراق برگزار می‌شود؛ ابتکار عمل را به دست گیرد و خود در فعالیت‌های صلح‌جویانه سازمان ملل، همکاری‌های فنی و نیروی انسانی را به عهده گیرد. از این طریق ضمن بازکردن جای پا در عراق، روابط دیپلماتیک خود را با کشورهای حاشیه خلیج فارس و خاورمیانه بهبود می‌بخشد. بویژه این که ژاپن در جایگاه یک کشور وام‌دهنده به عراق، چگونگی ارائه کمک‌های اقتصادی به دولت جدید را بررسی می‌کند.

د - ژاپن یاری رسانی خود به کره را در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی تقویت کند و خود را برای هر

گونه بحران احتمالی در کره شمالی آماده سازد.

۲) حالت به بن بست رسیدن وضعیت عراق

امریکا بدون حمایت صریح سازمان ملل به عراق حمله می‌کند و رویدادها به گونه‌ای پیش می‌رود که هیچ یک از طرفین نمی‌تواند پیروز شود. از ژاپن خواسته می‌شود که مشخص کند آیا با آمریکا همکاری بی‌شائبه می‌کند و یا «همکاری مشروط». اگر ژاپن سیاستی اتخاذ کند که در آن به روابط با آمریکا اهمیت بیشتری داده شود آنگاه کشورهای خاورمیانه و آسیا این کشور را به عنوان مزدور آمریکا به نقد می‌کشند. در این صورت، تنش‌ها، بویژه با کشورهای تولیدکننده نفت خلیج فارس، آغاز می‌شود. وابستگی شدید ژاپن به نفت کشورهای خاورمیانه، این کشور را وادار می‌کند که تلاش‌های دیپلماتیکی آغاز کند تا روابط خود را با کشورهای خاورمیانه و دیگر کشورهای اسلامی بهبود بخشد.

برنامه‌های اجرایی ژاپن

الف - ژاپن با آمریکا همکاری کند، اما شکل و میزان همکاری و اقداماتش به گونه‌ای باشد که وجود تمایز و تفاوت اساسی بین منافع ملی ژاپن و آمریکا نمایان باشد. مهمترین وجه تمایز بین منافع ملی ایران در کشور آن است که ژاپن به نفت خاورمیانه وابسته است اما آمریکا چنین وابستگی ندارد.

ب - ژاپن با اعطای کمک به آوارگان عراقی در ترکیه، کویت، عربستان سعودی و دیگر همسایگان این کشور و اعطای کمک‌های مالی به نیروهای شورای همکاری خلیج فارس و جامعه عرب، که احتمالاً برای برگرداندن نظم مداخله خواهند کرد، براستقلال دیپلماتیک و سیاسی خود تأکید کند. همچنین بیم آن می‌رود که در صورت طولانی شدن آشوب‌ها در عراق، ناآرامی‌ها به مسلمانان مقیم ژاپن نیز گسترش یابد. برای جلوگیری از به وجود آمدن چنین آشوب‌هایی ژاپن باید امکانات و تجهیزات عبادتگاه‌های مسلمانان را نوسازی کرده و گسترش دهد.

ج - دولت ژاپن برای مواجهه با مشکلات پیش روی دولت جدید عراق، تماس‌هایی برای ایجاد ارتباط با گروه‌های معاند جنوب عراق برقرار کند. همچنین برای تقویت ارتباطات انسانی و روابط اقتصادی خود با ایران تلاش کند. چرا که ایران ضد عرب و ضد آمریکا اما طرفدار ژاپن است.

د - برای تثبیت قیمت نفت خام، ژاپن در گفت‌وگو و همکاری‌های بین کشورهای

تولیدکننده و مصرف‌کننده نفت ابتکار عمل را به دست گیرد. همچنین روابط دوستانه با کشورهای آسیایی که خود به نفت خاورمیانه وابسته هستند، مانند اعضای آ.س.آن، چین و کره جنوبی را، تقویت کند و با مشارکت آنها و برای تأمین امنیت انرژی در منطقه آسیا تلاش کند.

۳- حالت گسترش منازعات به کل خاورمیانه

وظایف: به محض این که منازعات بین آمریکا و کشورهای مسلمان خاورمیانه، شفاف‌تر شود، ژاپن خود را در وضعیت بسیار حساسی در ارتباط با روابط با کشورهای تولیدکننده نفت خاورمیانه و آمریکا خواهد یافت. به کارگیری سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه، سبب می‌شود که نظام پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای با چالش‌های عظیمی مواجه و اتحاد بین ژاپن و امریکای بشدت متشنج شود. متعاقب چنین حوادثی، احتمالاً اقتصاد ژاپن و کشورهای آسیایی به سبب به وجود آمدن بحران نفتی، خسارات زیادی متحمل خواهد شد که به کل کشورهای آسیایی گسترش می‌یابد.

برنامه‌های اجرایی ژاپن

الف - ژاپن باید، با توجه به حمله آمریکا به عراق، همواره از سیاست‌های آمریکا فاصله بگیرد و حمایت‌های تدارکی ارائه کند و تنها نیروهای تدافعی، آن هم در چارچوب‌های مشخص و محدود، به منطقه گسیل دارد و کمک‌های مالی را نیز در نهایت پنهان کاری اعطا کند.

ب - به هر تقدیر استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، نظام پیمان منع سلاح‌های کشتار جمعی را از بین می‌برد و هم از این روی ژاپن وادار می‌شود که در نظام دفاعی خود از ریشه و بن، بازنگری کند. ژاپن تنها کشوری است که تا به حال مورد حمله اتمی قرار گرفته است. بنابراین باید ابتکار عمل را به دست گیرد و متولی بنای عهدنامه‌هایی شود که به کارگیری سلاح‌های هسته‌ای علیه شهروندان عادی را منع می‌کند.

ج - ژاپن برای تأمین امنیت انرژی باید اقداماتی انجام دهد. از جمله: افزودن بر ذخایر نفتی در داخل کشور، توسعه اقدامات مربوط به مدیریت بحران از طریق همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی، تنظیم چارچوبی برای مقابله با شرایط اضطراری، از جمله پی‌گیری اقداماتی برای ذخیره‌سازی نفت به طور مشترک با کره جنوبی، تایوان، چین و سایر کشورها، تقویت روابط با کشورهای تولیدکننده نفت مانند ایران و روسیه.

سرفصل های سه حالت احتمالی بحران خاورمیانه

حالت تثبیت عراق	
سرفصل های هر حالت	<ul style="list-style-type: none"> ● آمریکا، پس از جلب حمایت بین المللی، حملات علیه عراق را در تاریخ پس از ژانویه ۲۰۰۳ آغاز می کند و با استفاده از موشک های هدایت شونده و دقیق و نیروهای ویژه به سرعت صدام و رژیم او را سرنگون می کند. ● پس از اندکی بی ثباتی، سازمان ملل فعالیت های صلح جویانه ای آغاز می کند. با همراهی کشورهای همسایه یک دولت موقت بر سرکار می آید. ● سریع بودن عملیات نظامی سبب می شود که بی ثباتی قیمت های نفتی موقتی باشد. دولت جدید عراق با افزودن بر میزان تولید نفت برای ترمیم اقتصاد خود و جلب سرمایه خارجی در کوتاه مدت و بلند مدت برای توسعه حوزه های نفتی، موجبات پایین آمدن قیمت نفت را مهیا می کند.
وظایف	<ul style="list-style-type: none"> ● پس از تشکیل دولت جدید در عراق، ژاپن تحت فشار جامعه جهانی، وادار می شود تا موضع خود را در خصوص قطعنامه های سازمان ملل در مورد عراق اعلام کند. ● بسته به رویکرد اتخاذی ژاپن، این کشور ممکن است از مشارکت در طرح های توسعه عراق پس از جنگ و فعالیت های بین المللی برای تثبیت اوضاع خاورمیانه کنار گذاشته شود.
بسیارنامه های اجرایی ژاپن	<ul style="list-style-type: none"> ● ژاپن پس مذاکره با آمریکا شیوه همکاری و موضع خود را اعلام می کند. ● ژاپن از طریق برگزاری همایش هایی برای اعطای کمک و مشارکت در فعالیت های صلح جویانه در عراق جا باز می کند و در جایگاه یک کشور وام دهنده چگونگی اعطای کمک های اقتصادی را بررسی می کند.

حالت به بین بست رسیدن	
سرفصل هر یک از حالت ها	<ul style="list-style-type: none"> ● ناکام ماندن در جلب اتفاق نظر برای سرنگونی صدام با توسل به عملیات نظامی، سبب می شود عملیات نظامی به درازا بکشد. هرج و مرج و درگیری بین نیروهای داخلی افزایش می یابد. آشوب و ناآرامی به کشورهای همسایه تسری می یابد. برای مثال ترکیه برای سرکوب کردن ناآرامی هایی که کردها مسبب آن هستند در شمال عراق مداخله می کنند. ● نیروهای آمریکا پس از یک سال انجام وظیفه و درگیری، عراق را ترک می کنند. اعضای شورای همکاری خلیج فارس به همراه سوریه، مصر و نیروهای سازمان ملل وارد عمل می شوند اما به دلیل شدت گرفتن خصومت بین گروه های مبارز، ناآرامی ها همچنان ادامه می یابد. با بالا رفتن تعداد تلفات و زخمی های شهروندان عراقی، احساسات ضد آمریکایی شدت می گیرد. اوضاع دولت های طرفدار آمریکا، مانند عربستان سعودی و مصر بی ثبات می شود. ● علی رغم طولانی شدن وقعه صادرات نفت عراق، به دلیل استفاده از نفت های ذخیره شده و افزایش تولید کشورهای دیگر پیامدهای منفی جنگ بر بازار بین المللی نفت کاهش می یابد. با وجود این، به دلیل وجود ناطقینانی سیاسی در عربستان سعودی و دیگر کشورهای تولید کننده نفت خلیج فارس قیمت نفت افت و خیز شدیدی خواهد داشت. متعاقب آن اقتصاد جهان در نوسان خواهد بود.
وظایف	<ul style="list-style-type: none"> ● پس از حمله آمریکا به عراق، بدون تصویب سازمان ملل مسایل لاینحل می شود. اگر ژاپن سیاستی اتخاذ کند که در آن به روابط با آمریکا اهمیت بیشتری داده شده باشد آنگاه باب انتقادات کشورهای خاورمیانه را بسوی خود گشوده است. ● به دلیل وابستگی شدید ژاپن به نفت کشورهای خاورمیانه، این کشور باید تلاش های دیپلماتیکی را برای بهبودبخشیدن به روابط خود با کشورهای تولیدکننده نفت خاورمیانه آغاز کند.
بسیارنامه های اجرایی ژاپن	<ul style="list-style-type: none"> ● ژاپن برای انتخاب راهکار مناسب باید به خاطر بسیاری که منافع ملی ژاپن با منافع ملی آمریکا تفاوت دارد. به این ترتیب ژاپن باید سیاست مستقلی برای اعطای کمک به آوارگان عراقی و حمایت های مالی از نیروهای جامعه عرب در پیش گیرد. ● ژاپن باید با ملحوظ داشتن آینده دولت جدید، خطوط ارتباطی خود را با گروه های معارض عراقی تقویت کند.

حالت گسترش منازعات به کل خاورمیانه	
سرفصل هر حالت	<ul style="list-style-type: none"> ● بلافاصله پس از آغاز حملات آمریکا، عراق حملات موشکی به اسرائیل را آغاز می کند. و اسرائیل نیز به حمله متقابل مبادرت می ورزد. اگر عراق از سلاح های کشتار جمعی استفاده کند، احتمالاً اسرائیل نیز با استفاده از همان نوع سلاح تلافی می کند. در این صورت، تعداد زیادی سرباز آمریکایی و تعداد بی شماری از شهروندان عراقی کشته و زخمی می شوند. تمایلات ضد اسرائیلی و ضد آمریکایی به سراسر دنیای اسلام گسترش می یابد. ● عربستان سعودی و دیگر کشورهای تولید کننده نفت طرفدار آمریکا در خاورمیانه برای حفظ بقای خود از نفت، به مثابه سلاح سیاسی استفاده خواهند کرد. بازار نفت به هرج و مرج می گراید و قیمت نفت خام شدت افزایش می یابد و اقتصاد جهان را به چالش بزرگی می اندازد. کشورهای آسیایی نیز موقتاً برای به دست آوردن نفت به تقلا و زحمت می افتند. ● با شدت گرفتن حرکت های ضد آمریکایی، در کشورهایمانند عربستان، اردن، مصر، بنیادگرایان اسلامی قدرت چشمگیری به دست خواهند آورد. ساختار حقیقی منازعات بین آمریکا و جهان اسلام در منطقه خاورمیانه شفاف تر می شود و آمریکا متوجه خواهد شد که از جامعه جهانی فاصله بسیاری گرفته است.
وظایف	<ul style="list-style-type: none"> ● با شدت گرفتن تعارضات بین خاورمیانه و آمریکا، ژاپن خود را در وضعیت بسیار حساسی خواهد یافت. ● اگر سلاح های کشتار جمعی در خاورمیانه به کار برده شود، بین ژاپن و آمریکا تنش های دامنه داری بوجود خواهد آمد. ● به دلیل به وجود آمدن بحران نفتی که به تمام کشورهای آسیایی نیز گسترش می یابد، اقتصاد ژاپن خسارات زیادی متحمل خواهد شد.
برنامه های اجرایی ژاپن	<ul style="list-style-type: none"> ● ژاپن، در همکاری با آمریکا، باید از سیاست های آمریکا فاصله بگیرد و تنها در فعالیت هایی از قبیل حمایت های تدارکاتی، گسیل داشتن نیروهای تدافعی و اعطای کمک های مالی مشارکت کند. ● ژاپن باید ابتکار عمل را به دست بگیرد و متولی پناهی عهدنامه هایی شود که به کارگیری سلاح های هسته ای علیه شهروندان عادی را منع می کند. ● ژاپن برای مقابله با شرایط اضطراری نفتی، باید همکاری های خود با کشورهای آسیایی منطقه را تقویت کند.